

منابع اقتصادی و درآمد امامین صادقین علیهم السلام

حمیدرضا مطهری^۱، فاطمه ضیایی^۲

چکیده

سیره اقتصادی ائمه علیهم السلام به ویژه امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام که در شرایط ویژه‌ای زندگی می‌کردند و از طرفی بنیان‌گذار فقه شیعه هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دوران امامین صادقین علیهم السلام از سویی سختگیری و خفقان حاکمان اموی و عباسی و از سوی دیگر اقدامات اقتصادی امامین صادقین علیهم السلام سبب اهمیت بیش از پیش این موضوع شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی منابع درآمدی آن دو امام همام علیهم السلام و تبیین سیره ایشان در به‌دست آوردن مال، به‌روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد منابع مالی امامین صادقین علیهم السلام به دو دسته کلی، درآمدهای شخصی و منابع عمومی تقسیم می‌شود: خمس، زکات، هدایا و مقرری بیت‌المال از منابع درآمد عمومی و تولید موقوفات، ارث، کار و فعالیت شخصی مانند کشاورزی، دامداری و تجارت در دسته منابع درآمد شخصی ایشان جای دارد.

واژگان کلیدی: منابع اقتصادی امامین صادقین علیهم السلام، کار، درآمد امامین

صادقین علیهم السلام، سیره امامین صادقین علیهم السلام.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷

۱. دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
Email: h.motahari@isca.ac.ir ORCID: 0000-0002-5249-6568

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
(نویسنده مسئول)

Email: fatemeziaei70@gmail.com ORCID: 0000-0003-4734-5674

۱. مقدمه

زندگی هر فرد در اجتماع و خانواده نیازهای گوناگون از جمله نیاز به مسکن، خوراک، پوشاک، تحصیل و... را در پی دارد. بنابراین، باید منابع پاسخ به این نیازها و راه‌های رسیدن به منابع و شیوه‌های درآمد انسان برای تأمین نیازهای زندگی تأمین شود. ائمه علیهم‌السلام از جمله امامین صادقین علیهم‌السلام نیز برای گذراندن امور زندگی دارای منابع اقتصادی بوده و برای رفع نیازهای خود به کسب درآمد در زمینه‌های مختلف توجه داشتند و مردم را نیز به کار و تلاش برای کسب درآمد حلال توصیه می‌کردند. این بزرگواران با مدیریت منابع و درآمد، زمینه‌های رفع مشکلات اقتصادی را فراهم می‌کردند. نوشتار پیش رو برآن است تا این مهم را در سیره و زندگانی امامین صادقین علیهم‌السلام تبیین کند.

اگرچه درباره سیره اقتصادی یا معیشتی معصومان علیهم‌السلام پژوهش‌هایی انجام شده است، بیشتر تألیف‌ها در حوزه اقتصادی، به زندگی امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام، اختصاص دارد و سیره سایر ائمه در این موضوع کمتر بررسی شده است. کتاب *سیره اقتصادی معصومان* در کتاب‌های چهارگانه شیعه از علی اکبر ذاکری (۱۳۹۸) و کتاب *حیات اقتصادی امامان از صلح امام حسن علیه‌السلام؛ تا آغاز غیبت صغری اثر نعمت‌الله فروشانی و معصومه اخلاقی* (۱۳۹۳) گزارشی کلی درباره سیره اقتصادی همه معصومان علیهم‌السلام ارائه کرده‌اند. مقاله «حماسه اقتصادی و الگوهای اقتصادی از دیدگاه امام باقر علیه‌السلام» از سید عباس وزیری (۱۳۹۳) و مقاله «سیره اقتصادی امام باقر علیه‌السلام» از محمد ابراهیم احمدی (۱۳۸۴)، نیز فقط سیره اقتصادی یکی از معصومین علیهم‌السلام را بررسی کرده‌اند.

امامین صادقین علیهم‌السلام در شرایط حکومتی دشواری زندگی می‌کردند و سازمان وکالت برای دریافت خمس و زکات به طور جدی شکل نگرفته بود. از این رو، با روش‌های خاص به تبیین فرهنگ و فقه شیعه اهتمام ورزیدند که بخش منابع اقتصادی آن مورد توجه است؛ زیرا خمس و زکات در اسلام جزء منابع عمده پیشرفت جامعه است. در گزارش‌های تاریخی از دریافت وجوهات در زمان این دو امام علیهم‌السلام خبرهای محدودی دیده می‌شود و بیشتر به فعالیت‌های فردی ایشان توجه شده است. بنابراین، بررسی این مورد در پیشرفت زندگی مؤمنانه از لحاظ درآمد اقتصادی راهگشا بوده و در تعدیل نگاه تک‌بعدی زهد انگاری به دین اثرگذار است.



۲. مفهوم‌شناسی

اقتصاد: اقتصاد در لغت از ریشه قَصَدَ، به معنی میانه نگاه داشتن و به اندازه خرج کردن و اعتدال در امور است. (معین، ۱۳۸۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶) اقتصاد در اصطلاح عبارت است از: چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه به منظور تولید کالاهای با ارزش و توزیع بین افراد مختلف (سالواتوره و دیولیو، ۱۳۹۹).

منابع اقتصادی: مواهب و امکاناتی مانند زمین، آب و معادن که خداوند در اختیار انسان قرار داده تا از آن بهره‌برد را منابع اقتصادی گویند. (صدر، ۱۴۲۴هـ.ق)

کار: «کار» از نظر واژگانی بر عمل و شغل انسان اطلاق شده (دهخدا، ۱۳۷۷) و در اصطلاح فعالیتی است مستمر که به تولید کالا یا خدمتی می‌انجامد و به آن دستمزدی تعلق می‌گیرد و سرچشمه انباشت ثروت و سرمایه، و رشد و شکوفایی جوامع است. (مطهری، ۱۳۹۹؛ توسلی، ۱۳۸۲)

امامین صادقین علیهم‌السلام: صادقین علیهم‌السلام بر دو امام بزرگوار یعنی، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام اطلاق می‌شود چنانکه با لقب باقرین علیهم‌السلام نیز شناخته می‌شوند.

امام باقر علیه‌السلام در شهر مدینه و در سال ۵۷هـ.ق متولد شد. (طبری، ۱۴۱۳هـ.ق؛ طبرسی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۴۹۸/۱) و پس از پدر بزرگوارشان، امامت شیعیان را حدود ۱۹ سال برعهده گرفت، در دوره ایشان نهضت علمی شکل گرفت و در سال ۱۱۴هـ.ق به شهادت رسید (طبرسی، ۱۴۱۷هـ.ق).

امام صادق علیه‌السلام ششمین امام شیعیان، در سال ۸۳هـ.ق در مدینه به دنیا آمد و در سال ۱۴۸هـ.ق به شهادت رسید. نهضت علمی شیعه در دوره امام صادق علیه‌السلام به اوج خود رسید و ایشان را پایه‌گذار مکتب تشیع یا مذهب جعفری می‌شناسند. (شهیدی، ۱۳۸۴) امامت امام صادق علیه‌السلام همزمان با خلافت هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵هـ.ق) اموی به بعد و در دوران دو خلیفه نخست عباسی، یعنی سفاح (۱۳۲-۱۳۶هـ.ق) و منصور (۱۳۶-۱۵۸هـ.ق) بود و در سن ۶۵ سالگی در مدینه به شهادت رسید (کفعمی، ۱۴۱۴هـ.ق؛ مفید، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۸۰/۲) و ۳۴ سال امامت شیعیان را برعهده داشت.

۳. اقتصاد شهر مدینه

کشاورزی و تجارت و صنعتگری از عمده‌ترین شغل‌های مردم مدینه بود. مدینه از





شهرهای اصلی جزیره العرب است که در شمال شرقی مکه در ناحیه حجاز قرار دارد. (بلاغی، ۱۳۸۶ هـ.ق، ۲/۱۰۶۴) قسمت شمالی شهر، به طور عمده زمین های کشاورزی و نخلستان بوده و هست؛ مناطق وسیع و پهناور که دارای کشاورزی، باغات و نخلستان های سرسبز و فراوان بوده و نسبت به مکه از نعمت آب و هوایی بهتری برخوردار بود (جعفریان، ۱۳۹۰). آب این مناطق وابسته به چشمه ها، چاه ها و قنات های آن مانند چاه های جاسوم، اریس، حاء، غرس حلوه... بود (سمهودی، ۱۳۹۲ هـ.ق). با این وصف کشاورزی و زمین داری از شغل های پایه در این شهر به شمار می رفت.

خرما از محصولات اصلی شهر مدینه بود (قزوینی، بی تا) و این میوه در معاملات حکم پول را نیز داشت و به جای دستمزد، قرض و یا هدیه داده می شد. (واقدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۷۷۵؛ مسعودی، ۱۳۷۴/۲/۳۴۵) صنایع دستی مانند بافت حصیر و دیگر اشیاء از الیاف درخت نیز در این شهر رواج داشت (ابن عبد العزیز، ۱۳۸۶). در این شهر، زمین های کشاورزی به صورت مزارعه و اجاره به افراد فاقد زمین داده (الشریف احمد، ۱۹۶۷) و چرخه کشت و زرع تکمیل می شد.

مدینه در مسیر کاروان های تجاری شمال و جنوب شبه جزیره العرب قرار داشت، بنابراین عده ای نیز در این شهر به تجارت مشغول بودند. هرچند مدینه در تجارت مثل شهر مکه نبود، وجود بازارهایی در آن از اهمیت تجارت و خرید و فروش حکایت دارد (ابن عبد العزیز، ۱۳۸۶). در سوره جمعه، به دلیل اینکه مردم این شهر خطبه پیامبر ﷺ و نماز را برای به دست آوردن سود رها کردند، تا کاروان تازه وارد شده را در یابند، مذمت شدند (جواد علی، ۱۳۹۱ هـ.ق، ۱۴۱/۴؛ جواد علی، ۱۳۹۱ هـ.ق، ۲۹۹/۲؛ زرکلی، ۱۹۹۲، ۳/۸۵؛ شوشتری، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۵/۵۴؛ عسقلانی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳/۴۱۲؛ حافظ مزی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۰/۲۸۰).

در قرن اول هجری، استفاده از چهارپایان همچون شتر، اسب و دام ها رایج و دامداری در میان مردم اجتناب ناپذیر بود؛ در مدینه نیز برخی به شغل چوپانی می پرداختند. (ابن اثیر، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۳/۳۳۷) آهنگری نیز از شغل های مردم مدینه بود که علاوه بر ساخت ابزار کشاورزی، ابزار آلات جنگی نیز می ساختند (ابن عبد العزیز، ۱۳۸۶). امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام با توجه به اقتضات شهر مدینه برای کسب روزی حلال به کشاورزی، باغداری، دامداری و تجارت اشتغال

داشتند. منابع درآمدی آن بزرگواران در دو دسته منابع شخصی و عمومی قابل بررسی است.

۴. منابع شخصی درآمد امامین صادقین علیهم‌السلام

منابع شخصی به منابعی گفته می‌شود که از شغل و جایگاه ایشان در خانواده سرچشمه می‌گیرد که شامل اموال موروثی، موقوفات و صدقات که از فرد متوفی به افراد ذی حق تعلق می‌گیرد. همچنین منابعی را که از فعالیت شخصی مانند کار و تلاش اقتصادی فردی به دست می‌آید، شامل می‌شود.

۴-۱. تولیت موقوفات و صدقات امامین صادقین علیهم‌السلام

سرپرستی و تولیت موقوفات یکی از منابع درآمد اقتصادی این دو امام بزرگوار بود. موقوفاتی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای نیازمندان جامعه یا فرزندان و نوادگان خویش تعیین کرده بود. سرپرستی این اموال با وصیت آن حضرت به امام حسن علیه‌السلام و بعد از ایشان به امام حسین علیه‌السلام و فرزندان ایشان سپرده شد. (اصفهانی، ۱۳۸۵)

این موقوفات شامل دو دسته بود:

- موقوفات شخصی امیرالمؤمنین علیه‌السلام: از قبیل چاه، چشمه، نخل و دیگر چیزهایی که خود ایشان آنها را احداث کرده بود؛

- موقوفاتی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت فاطمه علیها‌السلام به جامانده بود؛ مثل چشمه‌های ینبع، باغات هفت گانه، مشربه‌ام ابراهیم، باغ‌های سرزمین خیبر و وادی القری (یا قوت حموی، بی تا، ۳۴۵/۵) که تولیتش به عهده امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود؛

- باغ فدک: این باغ از اموال حضرت فاطمه علیها‌السلام بود که متأسفانه تا زمان عمر بن عبد العزیز در دست فرزندان آن حضرت نبود؛ باغ فدک را عمر بن عبد العزیز خلیفه اموی به اهل بیت علیهم‌السلام بازگرداند (یعقوبی، ۱۳۵۷، ۲/۹۵) و تا زمانی که عمر بن عبدالعزیز زنده بود، فدک نیز در اختیار امام باقر علیه‌السلام قرار داشت (ربلی، ۱۳۸۱، هـ.ق، ۲/۱۲۰).

۴-۱-۱. موقوفات شخصی امیرالمؤمنین علیه‌السلام

موقوفات شخصی امیرالمؤمنین علیه‌السلام شامل موقوفاتی بود که از طرف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت فاطمه علیها‌السلام در اختیار داشت که آنها را به امام حسن علیه‌السلام، سپس به امام حسین علیه‌السلام و پس



از ایشان نیز به ترتیب به سایر ائمه واگذار شد. (طوسی، ۱۳۶۵، ۹/۱۴۵)

بخشی از املاک و زمین های کشاورزی که امام علی علیه السلام به طور شخصی آنها را احداث کرده بود عبارتند از:

- حرّه الرّجلاء، القصبیه، چاه های ذوات العشرات که سرسبز و دارای چشمه های فراوان بود و امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را، وقف کرد؛

- منطقه ینبُع: این منطقه چشمه های متعدد، نخل و درختان فراوان و روستاهای گوناگون داشت و افراد زیادی ساکن آن بودند. (زمانی، ۱۳۷۵) امیرالمؤمنین علیه السلام در ینبُع بغیغات را پدید آورد. بغیغات شامل مجموعه چاه ها و چشمه هایی است که ایشان با دست خود حفر کرد و در شمار صدقات قرار داد. چشمه خیف الأراک، چشمه خیف لیلی، چشمه خیف بسطاس، چشمه ناقه فدیمه و اُدینه که در مدینه بود (ابن شبه نمیری، ۱۳۶۸ هـ.ق، ۲۲۰/۱) نیز به همین شکل بود. درآمد امام علی علیه السلام از موقوفاتشان به گفته ایشان، حدود چهل هزار دینار بود (ابن اثیر، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۳/۵۹۹). همه این موارد در وصیت نامه ایشان نام برده شده و به فرزندشان واگذار شد تا به مصرف نیازمندان برسد.

اداره همه این موقوفات و صدقات، پس از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در دست دیگر فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. (شیخ صدوق، بی تا؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۲۱۷) تولیت این املاک در زمان امام باقر علیه السلام در دست ایشان بود که پسر عمویشان، عبدالله بن حسن، با ایشان در این باره اختلاف داشت (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۲۳۰).

۴-۲. ارث

از منابع و درآمدهای اقتصادی ائمه علیهم السلام، تعدادی املاک و اموال متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام وجود داشت که از مادر و پدر پیامبر علیه السلام و همسرشان به جا مانده بود. (ماوردی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۲۳۰) از اموال پیامبر صلی الله علیه و آله می توان به باغی در شهر مدینه، چهل نفر شتر، شش رأس اسب و... که به حضرت زهرا علیها السلام به ارث رسید، اشاره کرد (اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ق، ۱/۴۹۸) که ایشان نیز این اموال را به دست امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانشان سپرد. از امیرالمؤمنین علیه السلام هم نیز زمین های زراعی ینبُع و قراقر (یا قوت حموی، بی تا، ۵/۴۵۰) به فرزندانشان به ارث رسید. همچنین از ثلث وادی القری به عنوان اموال فرزندان فاطمه علیها السلام نام برده اند (طبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق،

۵۲/۱۴). بنابراین، امامین صادقین علیهما السلام وارث املاک اجدادشان بودند؛ گزارش‌هایی از حضور امام باقر علیه السلام در یئبغ حکایت دارد و امام صادق علیه السلام نیز آن را به ارث برد (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۷۵/۶، برقی، ۱۳۷۱ هـ.ق، ۵۳۲/۲).

همچنین امام صادق علیه السلام زمین عریش را از پدرشان امام باقر علیه السلام به ارث برد. (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۷۰/۵؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۹ هـ.ق، ۴۴/۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۰۴/۳؛ طوسی، ۱۳۹۰ هـ.ق، ۷۲/۳) و مردم نیز برای حل مشکل اقتصادی خویش در عریش، به امام باقر علیه السلام مراجعه می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۲۷/۱). این موضوع نشان از حاصلخیزی و آبادی این زمین دارد که وقت بیشتر امام در آنجا صرف می‌شده است. امام صادق علیه السلام نیز برخی مواقع به عریش می‌رفت (برقی، ۱۳۷۱ هـ.ق، ۵۱۱/۲)، اسماعیل بن جعفر نیز همانجا درگذشت (شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۰۹/۲) و فرزندان ایشان در عریش زندگی می‌کردند (زبیدی، ۱۳۷۳، ۹۳/۱۰).

۴-۳. فعالیت‌های اقتصادی فردی

فعالیت‌های فردی افراد در کار و تلاش بدنی و ذهنی، باعث تولید ثروت و خدمت می‌شود، و به لحاظ اقتصادی رمز بقای یک جامعه است که در سیره اقتصادی ائمه علیهم السلام جایگاه ویژه‌ای داشت. سیره ائمه علیهم السلام بگونه‌ای بود که بار زندگی را خودشان بردوش می‌کشیدند و وابسته به دیگران نبودند؛ ایشان کار و تلاش را عبادت خداوند می‌دانستند. یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن جوان برومندی که در اول صبح به کار اشتغال داشت گفتند: «اگر این جوان نیروی خود را صرف خدا می‌کرد چقدر شایسته بود». در این حال، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر او برای تأمین معاش می‌کوشد و انگیزه بی‌نیازی از دیگران را دارد، در راه خدا قدم برداشته و انگیزه‌اش مقدس است؛ در غیر این صورت در راه شیطان قدم برداشته است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۱۴/۳). امام صادق علیه السلام کسی را که به کسب درآمد برای معیشت خانواده‌اش مشغول است، مانند مجاهد در راه خداست می‌دانست (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۴۳/۳). امام باقر علیه السلام نیز بی‌حوصلگی، تنبلی و بیکاری را کلید هر بدی معرفی می‌کرد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳۱۹/۳). بنابراین، در نگاه فردی، امامین صادقین علیهما السلام نیز جدای از جایگاه امامت، سیادت و رهبری امت اسلامی، همچون دیگر افراد عادی جامعه کار و تلاش فردی داشتند و بیشتر به کشاورزی، تجارت و پرورش دام مشغول بودند.



۴-۳-۱. فعالیت کشاورزی امامین صادقین علیهما السلام

کار کشاورزی شغلی با برکت و با اهمیت است که حاصل آن به مصرف تمام جامعه می‌رسد. با کشاورزی ضروری‌ترین نیاز زندگی انسان یعنی، غذا تأمین می‌شود و مانند دیگر منابع و معادن زمین تمام شدنی نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰) یک ملت براساس کشاورزی و محصولات آن چرخه اقتصادی پویایی خواهد داشت، خودکفایی و رشد مردم جامعه در گرو کشاورزی است و مردمی که نتوانند نان خود را تأمین کنند، استقلال و پویایی برایشان دست نیافتنی خواهد بود. از این رو، یکی از فعالیت‌های اصلی شخصی ائمه علیهم‌السلام کشاورزی بود که هم خود به آن اشتغال داشتند و هم بدان توصیه کرده و بدان اهمیت می‌دادند و کشاورزان را افراد ارزشمندی می‌دانستند. امام صادق علیه‌السلام در جواب فردی که پرسید: «عده‌ای از شغل کشاورزی اکراه دارند!» فرمود: «بکارید و درو کنید! شغل کشاورزی پاک‌ترین شغل است» (طوسی، ۱۳۶۵، ۳۸۴/۶). یزیدبن هارون از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که کشاورزان گنج‌های جامعه هستند و مقرب درگاه خدایند (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳۴/۱۹).

امام صادق علیه‌السلام از پاسخ پدر بزرگوارشان به فردی که از آن حضرت درباره علت شروع کار در صبحگاهان پرسیده بود، خبر داده که فرمود: «برای تحصیل روزی حلال برای خانواده‌ام می‌روم». (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱۲/۴) امام باقر علیه‌السلام نیز همانند پدرشان، کشاورزی می‌کرد و برای کسب روزی حلال سخت تلاش می‌نمود. محمدبن منکدر با دیدن تلاش فراوان امام باقر علیه‌السلام بر روی زمین کشاورزی، با قصد موعظه به ایشان گفت: «چگونه است که بزرگ قریش در هوای بسیار گرم، آن هم با داشتن غلامان، به کار دنیا مشغول است؟!» امام باقر علیه‌السلام در جوابش فرمود: «سوگند به خدا! اگر مرگ در این حال به من برسد، در حالی رسیده است که در اطاعت خدا هستم و با کار و کوشش، دیگر احتیاج به تو و سایر مردم پیدا نمی‌کنم. من آن هنگام از مرگ می‌ترسم که در حال گناه به سراغم آید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۰/۱۲، قمی، ۱۳۹۳، ۷۳۵/۲).

امام باقر علیه‌السلام کار و تلاش را عبادت و اطاعت خداوند معرفی کرده است و با این رفتار، تفکری که عبادت و اطاعت خداوند را فقط در نماز و روزه می‌جوید، اصلاح کرد. امام صادق علیه‌السلام نیز مزارعی در عُریض داشتند (نجفی، بی‌تا) و برای کسب رزق و روزی حلال بر

روی زمین‌های کشاورزی تلاش می‌کرد. ابوعمرو شیبانی امام صادق علیه السلام را در حال بیل زدن زمین باغشان با لباس‌های ضخیم مشاهده کرد، بر اثر زحمت فراوان عرق از ایشان جاری شده بود و فرمود: «دوست دارم در طلب معیشت سختی بکشم» (قمی، ۱۳۹۳، ۷۸۰/۲). ایشان در جواب عبد الاعلی که به امام گفته بود: «چرا در این روز بسیار گرم خود را به سختی می‌افکند و کار می‌کند؟» فرمود: «برای اینکه از افرادی مانند تو بی‌نیاز شوم» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷۴/۵). زندگی عزتمندانه از نتیجه‌های کار و تلاش است، تا از درخواست کردن پیش دیگران خودداری شود. البته امامین صادقین علیهما السلام به دلیل فراوانی محصول در مزارع، غلامان متعدد داشتند که همراه آنها مشغول به کار می‌شدند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۶۶/۳) و سفارش کرده بود تا عرق جبین کارگران خشک نشده مزدشان را پرداخت کنند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۲۴/۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۸/۱۸).

۴-۳-۲. تجارت

تجارت از امور مهم و حیاتی ملت‌هاست که سبب رشد جامعه می‌شود. اسلام، تجارت آن را یکی از منابع درآمد‌های مشروع و مباح قرار داده (ر.ک. بقره: ۲۷۵) و در قرآن کریم سفر برای تجارت هم‌ردیف جهاد در راه خدا آمده است (ر.ک. مزمل: ۲۰). بازرگانی و تجارت یکی از منابع مالی بسیاری از مردم مدینه از جمله ائمه علیهم السلام بود. امام سجاد علیه السلام اشخاصی را برای تجارت استخدام نموده بود که شترانش را برای حمل محصولات کشاورزی مانند حمل میوه به حجاز و نجد، و غلات به شام می‌بردند. (سید الاهل، ۱۳۳۵). امامین صادقین علیهما السلام مرجع پاسخگویی و الگوی جامعه اسلامی درباره معامله و تجارت بودند و امام صادق علیه السلام به طور خاص به تجارت اهتمام داشت (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۹۰/۳). ایشان توصیه به راکد نگذاشتن پول می‌کرد و نظرشان بر این بود که باید پول در چرخه خرید و فروش قرار گیرد تا ارزش آن حفظ شود، حتی اگر سودی هم حاصل نشود (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷۷/۵). امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود: «هرکس زمین یا آبی (چشمه و قناتی) را بفروشد، و به زمین و چشمه‌ای دیگر تبدیل نکند، پول او از بین خواهد رفت» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۷۰/۱۷). امام باقر علیه السلام بازرگانانی را برای تعیین نرخ سود کالایی که از مصر به دستشان رسیده بود، دعوت کرد و با مقداری سود به بازرگانان فروختند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۹۴/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۹۷/۵). امام صادق علیه السلام نیز سرمایه خود را به دست افرادی برای تجارت سپرده بود؛ یکی از این افراد «مصادف» بود (کلینی،



۱۴۰۷ هـ.ق؛ حرعاملی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴۲۱/۱۸). تجارت ایشان، الگوی مبارزه با رانت‌ها، حرص‌ها و گرانی‌ها و درس مرآت و جوانمردی در تجارت است.

امام صادق علیه السلام به یکی از صرافان به نام غدافر، ۱۷۰۰ دینار سپرد تا با آن تجارت کند. بعد از مرگ غدافر پسرش، محمد بن غدافر، امام صادق علیه السلام را در هنگام طواف ملاقات کرد و خبر سود مال امام را داد و ایشان فرمود: «آن را جزو سرمایه‌ام قرار ده» (طوسی ۱۳۶۵، ۳۲۶/۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۵۸/۳). بنابراین، ایشان با به جریان انداختن سرمایه‌شان در معاملات و تجارت‌هایی از طریق واسطه، به درآمد شخصی حلال دست می‌یافت. براین اساس، تجارت از مهمترین شغل‌ها در سیره اقتصادی امامین صادقین علیهم السلام به شمار می‌رفت.

امام صادق علیه السلام تجارت را سبب دوری از خواری و رسیدن به برکت می‌دانست (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۳۹/۳) و فرمود: «تجارت باعث فزونی عقل انسان می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۴۸/۵؛ شیخ صدوق، ۱۳۱۴ هـ.ق، ۱۱۵/۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴/۱۲). تجارت حساب و کتاب دقیق می‌طلبد تا حق کسی ضایع نشود و طرفین راضی باشند و غش، احتکار و سوگند دروغ اتفاق نیفتد و مسائل دیگری که یک تاجر باید به آنها توجه کند؛ دقت در این موضوعات زیادی عقل را به همراه خواهد داشت.

۴-۳-۳. دامداری

همان‌طور که در بررسی فعالیت مردم مدینه گذشت، دامداری و دامپروری هرچند به شکل نگهداری دام در منزل، مرسوم بود و از گوسفند تعبیر به برکت می‌شده است. (برقی، ۱۳۷۱ هـ.ق، ۶۴۳/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۴۵/۶) استفاده از دام سبب کسب درآمد شده و از مشکلات اقتصادی نیز می‌کاهد؛ از این رو در هر خانه‌ای دامی بوده است که از پوست، گوشت، شیر و خرید و فروش آن بهره می‌بردند. امام باقر علیه السلام به عمه خود به داشتن گوسفند در خانه سفارش می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۴۵/۶). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «وجود سه گوسفند فقر را از خانه دور می‌کند»؛ ایشان به فرزندش سفارش کرد تا در منزل خود، گوسفند نگهداری کند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۴۴/۶). همچنین آن حضرت در خانه خویش برخی دام‌ها را نگهداری می‌کرد و گزارش‌ها از وجود بچه گوسفند در خانه آن حضرت خبر می‌دهد که می‌تواند نشانه‌ای از توجه آن حضرت به پرورش آن باشد و با توصیه‌های آن حضرت نیز هماهنگ است. (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۱۸/۲).

بنابراین، هر دو امام بزرگوار با وجود داشتن شرایط سخت جامعه خویش از سوی حکومت، دست از کار و تلاش برنداشته و برای گذراندن امورات خویش براساس عرف زمانه تلاش می‌کردند. چنانچه که امام باقر علیه السلام به خاطر تلاش در زمین زراعی در سنین بالا مورد ملامت برخی قرار گرفت درحالی‌که در سیره ائمه کار و کوشش عبادتی در خور و شایسته انسان است.

۵. منابع درآمد عمومی

اموال عمومی اصطلاحی است که بر اموال دولتی، بیت‌المال، منابع عمومی، منابع مشترک یا مشترکات عمومی نیز گفته می‌شود. این منابع متعلق به شخص نبوده و در فقه شیعه، ائمه عهده‌دار مصرف صحیح آن هستند. این منابع باعنوان زکات، خمس، انفال، فیه (نجفی جواهری، ۱۳۶۲/۳۹، ۲۶۰)، وقف عام، هدیه و صلّه‌های حکومتی، خراج (نجفی جواهری، ۱۳۶۲/۱۵۷) غنایم، اموال بلامالک و... است که همه در راستای اصلاح و بهبود اقتصادی و ریشه‌کن کردن فقر در بین مسلمانان است.

۵-۱. خمس

خمس در فقه به معنی پرداخت یک پنجم مازاد درآمد سالانه و مواردی مثل گنج و معدن طبق شروط فقهی است. اختصاص خمس به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله، امام معصوم، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان سادات، به طور متواتر بیان شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۵۴۸-۵۳۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲/۴۰-۴۵؛ طوسی، ۱۳۵۶ ه.ق، ۴/۱۲۶-۱۲۷؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۹/۱۰۴)

خمس بر بعضی از اموال تعلق می‌گیرد که عبارتند از: منفعت و درآمد کسب و کار، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهری که با غواصی به دست می‌آید، غنیمت جنگی، و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۷/۲) در واقع، خمس قسمتی از هزینه‌های زندگی امام را تأمین می‌کرد و طبق صلاح دید ایشان برای رشد و اداره شیعیان و جامعه اسلامی هزینه می‌شد. در زمان بنی امیه، پرداخت خمس به امامان شیعه نادیده گرفته شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ ه.ق، ۵/۳۰۵). امام باقر علیه السلام فرمود: «برای ما، در کتاب خدا خمس، انفال و اموال برگزیده قرار داده شده است، اما در حق ما ظلم شده است و آن را به ما پرداخت نمی‌کنند» (طوسی، ۱۳۶۵، ۴/۱۴۵). در جای دیگر فرمود: «از زمان معاویه تا به امروز، خمسی در میان ما تقسیم





نشده است» (ابن سعد، ۱۴۱۰هـ.ق، ۲۱۱/۵). عمر بن عبد العزیز (دوران حکومت: ۹۹هـ.ق الی ۱۰۱هـ.ق) تا حدی این حق و دیگر عطاها را به امام باقر علیه السلام پرداخت کرد و وضعیت مالی بنی هاشم در آن سال ها بهبود یافت (ارلی، ۱۳۸۱هـ.ق، ۹۶/۱)، اما در زمان امام صادق علیه السلام پرداختی با عنوان خمس از سوی حکومت به ایشان گزارش نشده است. در آن زمان، شیعیان به طور مستقیم به امام مراجعه نموده و خمس را به ایشان پرداخت می کردند یا از طریق وکیلانی چون معلی بن خنیس، خمس را به امام صادق علیه السلام می رساندند (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۴۴۵/۶). به نقل از ابن شهر آشوب، امام صادق علیه السلام از سوی برخی از زبیدیه به علت پرداخت وجوهات شیعیان به امام خویش، مورد هجمه قرار گرفت (ابن شهر آشوب، بی تا، ۲۲۵/۴). بنابراین، در زمان امامین صادقین علیه السلام پرداخت خمس به ائمه شرایط بهتری نسبت به زمان امام سجاد علیه السلام داشت.

۵-۲. زکات

زکات یعنی، خارج کردن قسمتی از دارایی تا بقیه مال با برکات خداوند رشد کند و زیاد شود و مال فرد را رشد دهد و همچنین مال را از حرام و صاحب آن را از صفات ناپسند، پاک گرداند. (نجفی جواهری، ۱۳۶۲هـ.ق، ۳/۱۵) زکات یکی از ابعاد نظام اقتصادی اسلام است و از واجبات دینی به شمار می رود و برای درمان دردهای اقتصادی جامعه اسلامی به آن تزریق می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن کریم به گرفتن زکات امر شده است (ر.ک.، توبه: ۱۰۳). طبق این آیه، زکات را باید به حاکم اسلامی که از معصومین است، پرداخت کرد. البته در غیاب معصومین به وکیلان ایشان و در صورت نبودن وکیل به فقیه مورد اطمینان باید پرداخت شود (طوسی، ۱۳۶۵، ۹۰/۴). همچنین آیات بسیاری در قرآن به پرداخت زکات اختصاص دارد آیه ۶۰ سوره توبه که مصارف زکات را برشمرده و به فریضه بودنش نیز اشاره شده است.

زکات دو قسم است: زکات ابدان (زکات فطره) و زکات مال. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۱/۳۵۴ و ۳۹۱). زکات در اموال به نه چیز تعلق می گیرد که عبارتند از: شتر، گاو، طلا، نقره، جو، گندم، خرما و کشمش. در غیر این نه چیز، زکات واجب نیست (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ۶۵/۱۵). زکات و مشمولین پرداخت و دریافت آن احکام مفصلی دارد که در کتب فقهی بیان شده است.

امام باقر علیه السلام فقه شیعه را بنیانگذاری کرد و احکام شیعی هویتی مستقل از اهل سنت یافت، بنابراین در دریافت و پرداخت زکات و خمس از جانب شیعه نیز تغییراتی اعمال

شد. امام صادق علیه السلام زکات را به هر چیزی که با صاع اندازه‌گیری شود، واجب اعلام کرد (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۱۰/۳). ایشان همه حبوبات را متعلق زکات می‌دانست (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۱۱/۳). همچنین امامین صادقین علیهم السلام به پرداخت زکات توسط شیعیان تأکید می‌کردند به گونه‌ای که اگر کسی زکاتی پرداخت نکرده و از دنیا رفته باشد آن را دینی برگردن او دانسته و بر پرداخت زکات از ازیبه او تصریح می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۴۷/۳). پرسش و پاسخ‌های شیعیان در موارد پرداخت زکات از امامین صادقین علیهم السلام نیز نشان دهنده تغییر احکام و سبک شیعه در پرداخت زکات است. فردی از اهل ری درباره پرداخت زکات از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که به چه کسی باید پرداخت کند و امام علیه السلام فرمود: «اگر زکات را به شیعیان ما دهید، مثل آن است که به ما داده‌اید». آن فرد گفت که شیعه‌ای را در شهرش نمی‌شناسد. امام علیه السلام فرمود که چند وقتی صبر کند، اگر شیعه‌ای را نیافت، مال را به آب اندازد بهتر است از آنکه به دست دشمنان اهل بیت علیهم السلام برسد (طوسی، ۱۳۶۵، ۵۲/۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۳۲/۹).

نمی‌توان به طور قطع زکات را جزء اموال و درآمد رسمی امامین صادقین علیهم السلام بزرگوار دانست؛ زیرا اغلب خود مسلمانان سعی در رساندن زکات به اهلش داشتند. همانطور که گفته شد، فقه شیعه در دوران امامین صادقین علیهم السلام، هویت مستقلی یافت که پرسش‌های فراوانی از سوی شیعیان مطرح بود؛ بنابراین پرداخت زکات و خمس به امام به طور کامل انجام نمی‌شد؛ چراکه تازه در حال شکل‌گیری این هویت مستقل بود. ممکن است نبودن سازمان‌های وکالت و وسیع که وظیفه اصلی دریافت و پرداخت وجوهات را داشته باشند نیز از دلایل نرسیدن وجوهات شیعیان به ائمه علیهم السلام باشد.

۵-۳. هدایا

هدایا جمع هدیه است و به تحفه و آنچه برای اظهار محبت و دوستی به منظور بزرگداشت جانب پذیرنده تقدیم شود، گفته می‌شود. (دهخدا، بی‌تا، ۲۰۷۱۵/۱۴) هدیه در سیره اقتصادی معصومان علیهم السلام جایگاه ویژه‌ای دارد و درآمد عمومی به شمار می‌رود. از این رو، ائمه علیهم السلام هدایایی را که از سوی مردم و گروه‌های مختلف ارائه می‌شد، می‌پذیرفتند. هدایای مردم، شامل نذورات، عهد‌ها و وصیت‌ها می‌شد (راوندی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۵۹۸/۲). برخی حکومت‌های وقت، به دلیل





بزرگی جایگاه ائمه علیهم‌السلام اموال و اشیائی را با عنوان هدیه، صلّه و هبه به ایشان تقدیم می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۶۵۴). براین اساس، هدایا شامل هدایای مردمی و هدایای حکومتی است.

۵-۳-۱. هدایای مردمی به امامین صادقین علیهم‌السلام

در تفسیر آیه ۲۱ سوره رعد، روایاتی بیان شده است که هدیه به امام علیهم‌السلام را از مصادیق برقراری پیوند و صلّه رحم دانسته‌اند. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ از این آیه، آن را هدیه و صلّه دادن به امام علیهم‌السلام معرفی کرد. (عباشی، ۱۳۸۰ هـ.ق، ۲/۲۰۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲/۴۹۵) طبق روایات تفسیری، هدایا از حقوق خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌شمار می‌رود (تقفی تهرانی، بی‌تا، ۳/۲۰۴). هدیه باعث ایجاد مهر و محبت و ارزش و فضیلت آن بیش از فضیلت صدقه است؛ ائمه علیهم‌السلام نیز هدایا را، کم یا زیاد، می‌پذیرفتند. هدیه به شکل معنوی و مادی است که در این مجال، هدایای مادی و مالی که از سوی مردم به ائمه علیهم‌السلام داده می‌شد، بررسی شده است؛ زیرا اهمیت اقتصادی آن هم به ائمه و هم به خود مردم باز می‌گردد.

مردی پنجاه هزار درهم را از اموال پنهان شده پدرش که وفات کرده بود به امام باقر علیه‌السلام هدیه داد و بقیه را برای خود نگه داشت، امام باقر علیه‌السلام نیز برای خود و خویشان نیازمندان مصرف نمود. (راوندی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۵۹۸) در روایات به اهدای هدیه به امام صادق علیه‌السلام بیشتر اشاره شده است و آن به دلیل فرصت بیشتر ایشان در نشر معارف و کثرت شاگردان ایشان است. برای مثال، شعیب عقرقوفی، سیصد دینار همراه اموال برادرش، به امام صادق علیه‌السلام هدیه کرد. امام صادق علیه‌السلام، نیز آن مقدار مال را که متعلق به شعیب بود، پذیرفت و مال برادرش را باگرداند (راوندی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۶۳۱). اسماعیل بن قیس موصلی، که ثروت خود را به برکت نمازی می‌دانست که از امام صادق علیه‌السلام آموخته بود، کیسه‌ای که پانصد دینار در آن بود، به آن حضرت اهدا کرد (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۸۷/۳۳۴). فیض بن مختار نیز هزار دینار برای امام صادق علیه‌السلام و هزار دینار دیگر نیز برای امام کاظم علیه‌السلام اهدا کرد (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱/۳۱۱).

۵-۳-۲. هدیه‌های حکومتی به امامین صادقین علیهم‌السلام

علاوه بر پرداخت هدایا توسط مردم، حکومت‌ها، نیز گاهی برای ائمه علیهم‌السلام هدیه‌هایی ارسال می‌کردند، که بخشی از درآمدهای ائمه علیهم‌السلام را تشکیل می‌داد. امام صادق علیه‌السلام چهارصد دیناری را که منصور، حاکم وقت عباسی، برای ایشان فرستاده بود به یکی از یاران

نیازمندش بخشید (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱/۱۳۸). در زمان امام صادق علیه السلام، حکومت نوپای عباسیان، هر نوع حرکتی را از آن حضرت و خاندانش مشکوک می‌دانستند و از شورش علویان که باعث زیر سؤال رفتن مشروعیت حکومت آنها می‌شد، واهمه داشتند. روزی منصور عباسی امام صادق علیه السلام را به اتهام مکاتبه با اهل خراسان و دعوت آنها برای نقض بیعت، به بغداد احضار کرد، در این دیدار امام صادق علیه السلام، منصور عباسی را مطمئن کرد که افکار و گزارش‌های اشتباه به وی رسیده و امام صادق علیه السلام ارتباطی به آن نامه‌ها نداشته است. منصور عباسی ده هزار درهم به امام صادق علیه السلام داد و ایشان را به مدینه بازگرداند (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ سیدبن طاووس، ۱۴۲۶ هـ.ق). اباصلت هروی، گزارش کرده است که یکی از حاکمان هندی نامه‌ای مکتوب همراه هدایایی که درون صندوق‌ها و روی شتران زیادی حمل می‌شد، برای امام صادق علیه السلام فرستاد (راوندی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱/۲۹۹). منابعی که دلالت کند بر شیعه بودن این حاکمان یافت نشده است، اما مشخص است که از دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند.

با توجه به گزارش‌های فوق می‌توان گفت که امامین صادقین علیهم السلام هدیه‌های برخی حاکمان را می‌پذیرفتند، حتی اگر از جانب امویان و عباسیان بود که در دشمنی با ائمه معروف بودند. اما باید هدیه‌های این حکام را با احتیاط بنگریم؛ زیرا گزارش‌های این هدایا از نظر سند و محتوا نیازمند بررسی دقیق است که پژوهش مستقلی را می‌طلبد و در این مختصر نمی‌گنجد.

امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسشی درباره پذیرفتن هدایا از حکومت‌ها فرمود: «حسن علیه السلام و حسین علیه السلام عطایای زورمندانی همچون معاویه را می‌پذیرفتند؛ زیرا آنان شایستگی و حق آنچه را که از معاویه دریافت می‌کردند، داشتند». سپس امام علیه السلام ادامه داد: «آنچه در اختیار حاکمان ظالم است بر خود آنان حرام است، ولی برای مردم در صورتی که در امور خیر صرف کنند و حق دریافت آن را داشته باشند، حلال است». امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «عطا و بخشش حاکمان ظالم بر کسانی که در نافرمانی خدا به آنان خدمت می‌کنند، حرام و نارواست» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۹ هـ.ق، ۲/۳۲۳-۳۲۴). در ظاهر، آنچه را که معاویه برای حسنین علیهم السلام می‌فرستاد، با عنوان هدیه و صلّه بود، اما طبق نظر ابن ابی‌الحدید، این هدایا سهم حسنین علیهم السلام از بیت‌المال و سهم ذوی‌القربی بوده است که حق مسلم ائمه است و ائمه مجاز به دریافت آن بودند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق).





۲۴۹/۱۱). شیعیان در زمان این حکام از بیت‌المال محروم بوده و در مضیق‌های اقتصادی زندگی می‌کردند. بنابراین، ایجاب می‌نمود که ائمه علیهم‌السلام این هدیه‌ها را پذیرفته و در رفع مشکل شیعیان از آن بهره ببرند. براین اساس، پذیرش هدیه‌ها که در اصل سهم ائمه علیهم‌السلام از بیت‌المال بود، اشکالی در برنخواهد داشت (مجلسی ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۱/۴۴). شیخ طوسی در جواز دریافت هدیه و صلح حکومت آن را واجب دانسته است: «بر امام و تمام مسلمانان فرض است که هرچه در دست فرد غالب و ستمگر و مسلط بر امت باشد، به هر شکل ممکن، چه با رغبت و چه با اکراه، از دست وی بگیرند و در جای درست آن به مصرف برسانند. چون گرفتن همه آنچه از اموال خدا در دست معاویه بود امکان نداشت، بر امام واجب بود که بخشی از آن را که معاویه از باب هدیه به امام علیه‌السلام عطا می‌کرد، از وی بگیرد و حق خود را برداشته و بقیه را بین مستحقان تقسیم کند» (طوسی، بی تا، ۱۷۹/۴، پیشوایی، و همکاران، ۱۳۷۹).

۶. نتیجه‌گیری

سیره ائمه در تأمین مصارف زندگی به گونه‌ای بود که آنان هیچ باری بر دوش دیگری نگذاشتند و خودشان دارای فعالیت شخصی مانند کشاورزی، دامداری و تجارت بودند و کار را از بالاترین عبادت‌ها می‌دانستند. کار و فعالیت شخصی امامین صادقین علیهم‌السلام جزء منابع درآمدی ایشان بوده است که اهمیت‌های فراوانی برای آن ذکر شده است و باعث عزت نفس، آرامش روان، رسیدن به سرمایه، امرار معاش، زدودن فقر و شکوفایی اقتصادی جامعه می‌شود؛ به گونه‌ای که برای تمام افراد جامعه نیز که حداقل توانایی بدنی دارند، قابل اجراست. مسلمانان با استفاده از این نوع نگرش ائمه، به کار بدنی یا کارگری، می‌توانند به فعالیت‌های مختلف برای کسب درآمد بپردازند و از برکتی که خداوند در کسب و کار حلال قرار داده است، بهره‌مند شوند.

درآمدهای عمومی نیز بخشی از منابع اقتصادی امامین صادقین علیهم‌السلام بود. زکات و خمس، هدیه‌های حکومتی و مردمی در بخش درآمد عمومی قرار می‌گیرد و دریافت آن از طرف امام در مقام و جایگاه امام و رهبر شیعه، انجام می‌شد. البته زکات و خمس در زمان این دو امام بزرگوار به دلایل مختلف از جمله تقیه ائمه و پیروان ایشان، منابع سرشاری

به شمار نمی‌رفت، اما هدیه‌های مردمی و حکومتی به ایشان بخشی از درآمد عمومی امامین صادقین علیهم‌السلام بود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰)، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. محقق: ابوالفضل ابراهیم. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری (۱۴۲۲ ه.ق). *أسد الغابه*. بیروت: دارالفکر.
۳. ابن سعد، محمد ابن سعد (۱۴۱۰ ه.ق). *طبقات الکبری*. محقق: محمد عبد القادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن شبه نمیری، عمر بن سعد (۱۳۶۸). *تاریخ المدینه المنوره*. قم: دارالفکر.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا). *معالم العلماء*. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
۶. ابن طاووس حلی، ابوالقاسم رضی‌الدین علی بن موسی (۱۴۲۶ ه.ق). *مهج الدعوات و منهج العبادات*. قم: دار انوار الهدی.
۷. ابن عبد العزیز، عبدالله (۱۳۸۶). *جامعه مدینه در عصر نبوی*. مترجم: بختیاری، شهلا. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ه.ق). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*. محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم. تبریز: چاپ مکتبه بنی هاشم.
۹. اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۸۵ ه.ق). *مقاتل الطالبیین*. نجف: منشورات المکتبه الحیدریه.
۱۰. بجنوردی، کاظم (ناظر) (۱۳۶۷). *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ه.ق). *انساب الاشراف*. محقق: سهیل زکار. بیروت: دارالفکر.
۱۳. بلاغی، عبد الحجه (۱۳۸۶ ه.ق). *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*. قم: ناشر حکمت.
۱۴. پیشوایی، مهدی، و دیگران (۱۳۹۷). *مقتل جامع سیدالشهدا علیه‌السلام*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۵. التمیمی المغربي، نعمان بن محمد (۱۳۸۹ ه.ق). *دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام عن اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*. محقق: آصف بن علی اصغر فیضی. مصر: دارالمعارف.
۱۶. توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲). *جامعه شناسی کار و شغل*. تهران: سمت.
۱۷. ثقفی تهرانی، محمد (بی تا). *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*. تهران: برهان.
۱۸. جعفریان، رسول (۱۳۹۰). *آثار اسلامی مکه و مدینه*. تهران: مشعر.
۱۹. حافظ مزی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۳۷۳ ه.ق). *تهذیب الکمال*. بیروت: دارالفکر.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۲۱. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ه.ق). *تفسیر نور الثقلین*. مصحح: رسولی، هاشم. قم: اسماعیلیان.
۲۲. دهخدا، علی اکبر (بی تا). *لغتنامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ه.ق). *مفردات الفاظ قرآن*. محقق: صفوان عدنان داوودی. دمشق: دارالقلم، و بیروت: الدارالشامیه.
۲۴. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ ه.ق). *الخرائج و الجرائح*. قم: مؤسسه الامام المهدی علیه‌السلام.
۲۵. زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۷۳). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارمکتبه الحیاه.
۲۶. زرکلی، خیر الدین (۱۹۹۲ م). *الاعلام قاموس التراجم الاشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*. بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۷. زمانی، احمد (۱۳۷۵). *حقایق پنهان*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۸. سالواتوره، دومینگو، و دیولیو، یوجین (۱۳۹۹). *اصول علم اقتصاد*. مترجم: ضیائی بیگدلی، محمد، و مهدی پور، علی. تهران: کوهسار.
۲۹. سمهودی، نور الدین ابوالحسن علی بن عبدالله (۱۳۹۲ ه.ق). *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*. مدینه منوره: المکتبه العلمیه.
۳۰. سیدالاهل، عبدالعزیز (۱۳۳۵). *زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام*. مترجم: وجدانی، حسین. تهران: کتاب‌فروشی



- محمدی.
۳۱. الشریف احمد، ابراهیم (۱۹۶۷). *مکه والمدینه فی الجاهلیة وعهد الرسول*. قاهره: دار الفكر العربی.
۳۲. شوشتري، محمدتقی (۱۴۱۴ ه.ق). *قاموس الرجال*. قم: جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه بقم مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۳. شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۴). *زندگانی امام صادق جعفر بن محمد علی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۴. صدر، سید محمد باقر (۱۴۲۴ ه.ق). *اقتصادنا*. قم: بوستان کتاب.
۳۵. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بابویه (۱۳۶۱). *معانی الاخبار*. قم: انتشارات جامعه المدرسين.
۳۶. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بابویه (۱۳۶۲). *الامالی*. بی جا: انتشارات کتابخانه اسلامیه.
۳۷. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بابویه (۱۴۱۳ ه.ق). *من لایحضر الفقیه*. قم: انتشارات جامعه المدرسين.
۳۸. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بابویه (بی تا). *علل الشرائع*. قم: انتشارات مکتبه الداوری.
۳۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ه.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: نشر اسماعیلیان.
۴۰. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (۱۴۱۷ ه.ق). *اعلام الوری*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ه.ق). *دلائل الإمامة*. قم: الذخائر للمطبوعات.
۴۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب السلامیه.
۴۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰ ه.ق). *الاستبصار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *اختیار معرفه الرجال*. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (بی تا). *تلخیص الشافی*. محقق: بحر العلوم، سید حسین. قم: مکتبه الصفا.
۴۶. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۴ ه.ق). *تهذیب التهذیب*. هند: دائرة المعارف النظامیه.
۴۷. علی، جواد (۱۳۹۱ ه.ق). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بیروت: دار العلم للملایین.
۴۸. عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ه.ق). *تفسیر العیاشی*. رسولي محلاتی، سید هاشم. تهران: المطبعة العلمیه.
۴۹. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ ه.ق). *محجه البیضاء*. قم: جامعه المدرسين؛ مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۰. قزوینی، زکریا بن محمد (بی تا). *آثار العباد واخبار البلاد*. بیروت: ناشر دارالصار.
۵۱. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۳). *منتهی الامال*. قم: انتشارات پیام.
۵۲. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۴ ه.ق). *المصباح*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). *احکام السلطانیة والولايات الدینیة*. کویت: بی تا.
۵۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ه.ق). *بحار الانوار الجامعة لدور اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام*. بیروت: مؤسسه الایفاء.
۵۶. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. مترجم: ابوالقاسم پاینده. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۵۷. مطهری، حمیدرضا (۱۳۹۹). *کسب و کار بر اساس آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵۸. معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*. تهران: کتاب پارسه.
۵۹. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ه.ق). *الارشاد فی معرفه الحجج الله علی العباد*. قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۰). *خطوط اقتصاد اسلامی*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهم السلام.
۶۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۲). *توضیح المسائل*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). *تحریر الوسیله*. تهران: نشر آثار امام خمینی علیهم السلام.
۶۳. نجفی جواهری، شیخ محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. گردآورنده: قوچانی، عباس. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۴. نجفی، محمد باقر (بی تا). *مدینه شناسی*. بی جا: نشر مشعر.
۶۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ه.ق). *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶۶. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ه.ق). *المغازی*. محقق: مارسدن جونز. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۷. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله (بی تا). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.
۶۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۷). *تاریخ یعقوبی*. مترجم: آیتی، محمد ابراهیم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.